

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری اجتماعی از دیدگاه دانش آموختگان شاغل در مؤسسات رفاهی، حمایتی، درمانی و قضایی

محمدرضا ایروانی^۱

کاظم قجاوند^۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تعیین میزان فایده دروس اصلی و تخصصی ارائه شده در دانشگاه‌ها به دانش آموختگان رشته مددکاری اجتماعی و علوم اجتماعی با گرایش خدمات اجتماعی شاغل در شغل مددکاری در مؤسسات مختلف رفاهی، حمایتی، درمانی و قضایی انجام شده است.

جامعه آماری عبارتند از کلیه مددکاران فارغ التحصیل و شاغل در مراکز سازمان بهزیستی، سازمان زندانها، تشکلهای داوطلب مردمی و مؤسسات خیریه و نیز مراکز بهداشتی و درمانی شهر اصفهان می‌باشد.

تعداد ۱۳۸ نفر مددکار در این پژوهش مشارکت نمودند برای تعیین میزان فایده در وی ارائه شده، کلیه دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری اجتماعی در ۱۰ طبقه تقسیم شدند و پاسخگویان در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای (طیف لیکرت) میزان فایده هر یک از درسها را تعیین نمودند.

ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده (که برای بررسی روایی از روش روایی محتوا و برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید) و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و روش آمار استنباطی (آزمون) نمونه‌های مستطیل و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد.

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی (شده مددکاری) ...
یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میزان فایده در مقوله دانش و مهارت‌های مربوط به مددکاری فردی بوده و دانش و مهارت‌های روان‌شناختی، دانش و مهارت‌های توانبخشی و دانش و مهارت‌های مددکاری گروهی در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

مقایسه نگرش فارغ‌التحصیلان مرد و زن در مورد فایده درسهای ارائه شده، مشخص نمود که در مقوله‌های دانش و مهارت‌های مددکاری فردی و دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌ای و دانش و مهارت‌های مدیریتی بین مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین در مورد تأثیر نوع سازمان محل اشتغال دانش‌آموختگان بر نگرش آنان نسبت به میزان فایده دروس ارائه شده، نتایج نشان می‌دهد که در میانگین نمرات مددکاران شاغل در سازمانها، زندانها در مقوله دانش و مهارت‌های حقوقی به طور معنی‌داری بیش از سایر گروههاست.

واژه‌های کلیدی

مددکاری اجتماعی، دروس اصلی و تخصصی، دانش‌آموختگان مددکاری

مقدمه

امروزه نقش و اهمیت نیروی انسانی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه و اساس و محور توسعه مورد توافق صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف قرار دارد. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی اندیشمندان معتقدند در سالهای آینده قدرت و توان هر جامعه‌ای را نه صلاحیهای مرگبار و کشنده آن بلکه منابع انسانی متخصص و ماهر آن تعیین می‌کند.

در حالی که جمعیت جوان کشور به شدت علاقه‌مند و متقاضی ورود به دانشگاه‌ها و تحصیل در رشته‌های مختلف می‌باشند، رسالت و وظیفه خطیر متوجه مسئولین و برنامه‌ریزان امور مربوط به دانشجویان می‌گردد که همان تربیت اصولی و صحیح دانشجویان با توجه به نیازهای فراگیران و جامعه

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

می‌باشد. لازمه عهده‌دار شدن چنین مسئولیت سنگین، پذیرش آن، تلاش و کوشش وافی و پیگیری در زمینه شناخت مشکلات برنامه‌ریزی، تدوین برنامه‌ها، ارزشیابی دوره‌ها و درنهایت بررسی برون دادهایی است که در فرآیند آموزش دانشگاه‌ها روی دهد. مطابق با آمارهای موجود هر سال بیش از ۳۰۰ هزار دانشجوی جدید در رشته‌ها و مقاطع مختلف وارد دانشگاه‌های دولتی و آزاد و مؤسسات آموزش عالی کشور می‌گردند. در این میانه هر سال حدود ۲۵۰ هزار نفر از دانشگاه‌های کشور دانش آموخته می‌گردند. (روزنامه ایران، گزارش اجتماعی، مورخه ۱۳۸۳/۸/۱۲)

یکی از راه‌های نسبتاً مطمئن برای بررسی نقاط قوت و ضعف‌های برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، بررسی و تعیین اثربخشی دوره‌ها و دروس تدریس شده در دانشگاه‌ها از طریق نظرخواهی از دانش‌آموختگان مؤسسات آموزشی عالی است که محصول نهایی و برون دادهای مجموعه آموزش عالی محسوب می‌گردند.

میرکمالی (۱۳۷۲) فارغ‌التحصیلان را بهترین منبع برای ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌داند بویژه آنکه فارغ‌التحصیلان می‌توانند آموخته‌های خود را در محیط کار به کمک آزمایش و تجربه بگذارند و قوتها و ضعفهای این آموزش را دریابند.

از آنجا که سالیانه میلیاردها ریال صرف آموزش دانشجویان کشور می‌گردد و میلیونها ساعت از عمر افراد به امر آموزش اختصاص می‌یابد، لذا شایسته است تا با انجام پژوهشی به بررسی میزان فایده این فرآیند آموزشی بپردازیم. همانگونه که حسینی (۱۳۷۶) عنوان می‌کند تحقیقات در این زمینه مهم و ضروری است و بیان نموده که اطلاعات بدست آمده از این طریق به میزان زیادی می‌تواند زمینه‌های عینی و مشخص و نه ذهنی و مبهم، بوجود آورد که برای حل

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری ...
بسیاری از مشکلات و مسائلی که هم اکنون دانشگاه‌ها با آن مواجه‌اند، کارساز
باشند.

در سالهای اخیر نیز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و دانشگاه‌ها بدنبال
انجام پژوهشهایی با مبنای ارزیابی درونی برای تعیین اثربخشی عملکرد
دانشگاه‌ها می‌باشند. از آنجا که بررسی میزان فایده‌های آموزش رشته‌های
مختلف دانشگاه‌ها در یک مقاله میسر نیست و نظر به تخصصی شدن موضوع و
تناسب رشته مددکاری با علاقه پژوهشگر، در این مقاله بدنبال تعیین میزان فایده
دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری اجتماعی از نظر فارغ‌التحصیلان این
رشته که در زمان انجام پژوهش در حرفه مددکاری شاغل بوده‌اند خواهیم بود.

به نظر می‌رسد ضرورت پرداختن به چنین موضوعی از چند منظر قابل
بحث می‌باشد که عبارتند از: اول آنکه، دروس تخصصی و اصلی که در
دانشگاه‌های شهر تهران در رشته مددکاری به فراگیران ارائه می‌شود ارزیابی
گردیده تا از طریق اطلاعات بدست آمده بتوانیم راهنمایی‌های لازم را جهت اخذ
تصمیم‌گیریهایی مناسب به مدیران، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران آموزش
مددکاری ارائه نماییم.

دوم آنکه به متقاضیان ثبت نام در این رشته کمک نماییم تا با آگاهی و
اطلاعات کاملتر و اطمینان خاطر بیشتر نسبت به انتخاب رشته در این حرفه اقدام
نمایند. همانگونه که هاوکی‌ولی (۱۹۹۹) مطرح می‌کنند داوطلبان حق دارند قبل از
ورود به دانشگاه از عملکرد آن مجموعه و وضعیت رشته‌ای که قصد انتخاب آن
را دارند دارا باشند (هاوکی‌ولی، ۱۹۹۹)

سومین دلیل برای اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش این که یافته‌های
حاصل از این گونه تحقیقات می‌تواند به سازمانها و مؤسسات ارائه‌کننده خدمات
مددکاری کمک نماید تا خط‌مشی‌ها، سیاستها و نظراتشان را در مورد برنامه‌ها و
نحوه ارائه خدمات مددکاری تغییر دهند.

دلیل چهارم اینکه از طریق انجام پژوهش‌های مشابه می‌توان به نیازهای شغلی مددکاران اجتماعی شاغل در مؤسسات مختلف پی برده و در راستای تنظیم و هماهنگی آموزش‌های دانشگاهی و نیازهای سازمان مددکاران اقدام نمود و نهایتاً اینکه اطلاعاتی از این طریق بدست می‌آید به مسئولان تعیین بودجه سازمان‌های آموزشی کمک می‌نماید تا در تصمیمات خود برای تعیین بودجه، منطقی‌تر و واقع بینانه‌تر عمل نمایند. (هسلوپ، ۲۰۰۰)^۱

۱- آلفرد کاروشین^۲ (۱۹۷۷) در تحقیقی به بررسی میزان کاربرد دروس اصلی و تخصصی فرا گرفته شده توسط دانشجویان مددکاری با نیازهای سازمان‌های محل کارورزی آنها پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که دانشجویان در بعد تئوریکها و نظریه‌های جامعه شناختی اطلاعات کمتری نسبت به نظریه‌های روان‌شناختی دارند. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نحوه آموزش دروس اصلی و تخصصی در چگونگی فراگیری دانشجویان و نهایتاً بکارگیری آنها تأثیرگذاری است.

۲- هیپ^۳ در مطالعه‌ای روی مددکاران شاغل در مؤسسات توان‌بخشی شهر لندن به این نتیجه رسیده است که مددکاران از فراگیری دروس مدیریت و تکنیک‌های اداره سازمان ناراضی هستند و بیشترین رضایت دانشجویان مرتبط به دروس شناخت معلولیتها و خانواده درمانی است. هیپ همچنین در این تحقیق چنین گزارش می‌کند با افزایش سنوات خدمت و سابقه کار مددکاران در مراکز، میزان اثربخشی و فایده دروس آموخته شده افزایش می‌یابد.

۳- ناواری^۱ و سالز^۲ (۱۹۸۶) در تحقیقی پیرامون میزان فایده دروس مددکاری آموخته شده توسط دانشجویان در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که دانشجویان دوره لیسانس مددکاری نسبت به فایده دروس اصلی خود نمره بالاتری در مقایسه با دانشجویان فوق لیسانس داده‌اند. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دانشجویان فوق لیسانس نمرات بالاتری را در زمینه فایده دروس تخصصی به دروس همچنین رفتار سازمانی و پژوهشگری در مددکاری داده‌اند اما دانشجویان دوره لیسانس از دوره‌های کارآموزی خود رضایت بیشتری داشته‌اند.

۴- یورک^۳، موران^۴ و دنتون^۵ در تحقیق با عنوان آیا جنسیت مددکاران در ارزیابی روشهای کار آنان مؤثر است به بررسی بهترین روشهایی پرداخته‌اند که آموزش مددکاران را بر اساس نقش جنسیتی آنان متمایز می‌سازد. نتایج تحقیق آنان که در نشریه تخصصی مدیریت در مددکاری اجتماعی چاپ شده است نشان می‌دهد که مددکاران اجتماعی دروسی را که به شیوه آموزش گروهی و مشارکت جمعی فراگرفته‌اند بهتر از دروسی که فقط جنبه فردی داشته و حفظ نموده‌اند را به خاطر دارند. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد دانشجویانی که در دوره دانشگاه در قالب تکالیف درسی کارهای عملی را به شیوه آموزش گروهی و بحث آموخته‌اند، میزان رضایت بیشتری از دروس تخصصی خود دارند.

- 1- Navarre.
- 2- Sales.
- 3- York
- 4- Moran
- 5- Denton

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی _ پیمایشی است. جامعه آماری این پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مددکاران اجتماعی دانش‌آموخته و شاغل در سازمانهای مختلف بهزیستی، زندانها، تشکلهای داوطلب مردمی و خیریه شهر اصفهان می‌باشد.

این افراد همگی در رشته مددکاری اجتماعی تحصیل کرده و در زمان انجام پژوهش بعنوان مددکار در یکی از سازمانهای فوق به کار اشتغال داشته‌اند.

تعداد این افراد در زمان انجام پژوهش یعنی تابستان ۱۳۸۳، بیش از ۱۶۰ نفر بوده که همگی آنها بعنوان مشارکت کننده در تحقیق در نظر گرفته شدند. یعنی نمونه‌گیری در این پژوهش در لحاظ نگردید و سرشماری انجام شد. نهایتاً تعداد ۱۳۸ پرسشنامه تکمیل شده به محقق عودت داده شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که از دو قسمت تشکیل شده است. بخش نخست تعداد ۱۰ سؤال که ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان را می‌سنجد و بخش دوم تعداد ۵۸ گویه به روش ۵ درجه‌ای لیکرت که به بررسی میزان فایده دروس تخصصی مددکاری اجتماعی می‌پردازد. روایی پرسشنامه از طریق مطالعه اساتید صاحب‌نظر و حذف سئوالات مبهم (روش روایی محتوا) و به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که این رقم معادل ۸۴٪ برآورد گردیده که پایایی نسبتاً خوب سئوالات را مشخص می‌سازد. برای تعیین میزان فایده دروس، کلیه دروس تخصصی که در رشته مددکاری به دانشجویان ارائه می‌شود در ده مقوله طبقه‌بندی گردید. برای هر یک مقوله‌ها، تعداد ۷ گویه طراحی گردید که می‌بایستی پاسخگویان بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت به آن پاسخ می‌دادند.

این مقوله‌های ده‌گانه عبارتند از:

۱. دانش و مهارتهای مددکاری فردی

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری

۲. دانش و مهارت‌های مددکاری گروهی

۳. دانش و مهارت‌های مددکاری اجتماعی

۴. دانش و مهارت‌های مددکاری روان‌شناسی

۵. دانش و مهارت‌های مدیریتی

۶. دانش و مهارت‌های توانبخشی

۷. دانش و مهارت‌های حقوقی

۸. دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای

۹. دانش و مهارت‌های جامعه‌شناختی

۱۰. دانش و مهارت‌های پژوهشی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آمار در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون نمونه‌های مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تعیین توکی) استفاده گردید.

جدول شماره ۱: ضریب پایایی پرسشنامه و مقوله‌های فرعی آن

ردیف	مقوله‌ها	ضریب پایایی
۱	دانش و مهارت‌های مددکاری فردی	۸۳
۲	دانش و مهارت‌های مددکاری گروهی	۷۸
۳	دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌ای	۷۹
۴	دانش و مهارت‌های مددکاری روان‌شناسی	۸۵
۵	دانش و مهارت‌های مددکاری مدیریتی	۷۸
۶	دانش و مهارت‌های مددکاری توان‌بخشی	۷۲
۷	دانش و مهارت‌های مددکاری حقوقی	۸۵
۸	دانش و مهارت‌های مددکاری مشاوره‌ای	۸۴
۹	دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌شناختی	۷۰
۱۰	دانش و مهارت‌های مددکاری پژوهشی	۸۶
	ضریب کل فایده دروس	۸۵

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویی بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۹۷	۷۰/۳
مرد	۴۱	۲۹/۷
جمع	۱۳۸	۱۰۰

داده‌های جدول فوق بر حسب این است که ۷۰/۳ درصد شرکت کنندگان در تحقیق زن و ۲۹/۷ درصد مرد می‌باشد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع سازمان محل اشتغال و جنسیت

جنسیت	زن	مرد	جمع
محل اشتغال	فراوانی	درصد	فراوانی
مراکز توان بخشی	۱۶	۱۱/۶	۱۰
مراکز بهداشتی درمانی	۲۲	۱۵/۹	۵
مراکز حمایتی	۳۱	۲۲/۵	۹
مراکز قضایی و زندان	۵	۳/۶	۷
تشکلهای داوطلب مردمی	۱۴	۱۰/۲	۳
مراکز خیریه	۹	۶/۵	۷
جمع	۹۷	۷۰/۳	۴۱

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که اکثر پاسخ دهندگان در مرکز حمایتی (۲۹ درصد) و مراکز درمانی (۱۹/۵ درصد) و مراکز توان بخشی (۱۸/۸ درصد) به کار اشتغال دارند. همچنین کمترین فراوانی مربوط به دانش‌آموختگان مددکاری مشاغل در مراکز زندانها و دادگاهها (۸/۷ درصد) می‌باشد.

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه خدمت و جنسیت

جمع		مرد		زن		جنسیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	سابقه خدمت
۳۷/۷	۵۲	۹/۴	۱۳	۲۸/۳	۳۹	کمتر از ۳ سال
۲۷/۵	۳۸	۷/۲	۱۰	۲۰/۳	۲۸	۳-۵ سال
۱۵/۹	۲۲	۵/۸	۸	۱۰/۱	۱۴	۵-۱۰ سال
۱۳/۱	۱۸	۴/۴	۶	۸/۷	۱۲	۱۰-۱۵ سال
۵/۸	۸	۲/۹	۴	۲/۹	۴	بیش از ۱۵ سال
۱۰۰	۱۳۸	۲۹/۷	۴۱	۷۰/۳	۹۷	جمع

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به دانش آموختگان مددکاری با سابقه خدمت کمتر از ۳ سال می‌باشد. (۳۷/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به مددکارانی است که بیش از ۱۵ سال سابقه خدمت دارند. (۵/۸ درصد)

جدول شماره ۵: درصد پاسخ‌های فارغان‌التحصیلان مددکاری در مورد میزان فایده درس ارانه شده

ردیف	مقوله‌ها	کاملاً بی‌فایده	بی‌فایده	نظری ندارم	مفید	کاملاً مفید
۱	دانش و مهارت‌های مددکاری فردی	۶/۶۸	۹/۱۵	۱۳/۶۶	۲۸/۱۷	۴۲/۳۴
۲	دانش و مهارت‌های مددکاری روان‌بخشی	۵/۲۹	۱۲/۶۰	۱۴/۱۷	۳۴/۷۲	۴۳/۲۲
۳	دانش و مهارت‌های مددکاری توان‌بخشی	۷/۱۸	۱۵/۴	۱۲/۶۴	۲۰/۲۵	۴۴/۵۳
۴	دانش و مهارت‌های مددکاری گروهی	۸/۱۰	۲۲/۱۴	۱۷/۱۶	۲۰/۸۵	۳۱/۷۵
۵	دانش و مهارت‌های مددکاری مدیریتی	۹/۲۲	۱۳/۴۳	۲۹/۰۲	۲۱/۶۲	۲۶/۷۱
۶	دانش و مهارت‌های مددکاری مشاوره‌ای	۶/۱۴	۱۸/۱۲	۳۱/۶۸	۲۶/۱۶	۱۷/۹
۷	دانش و مهارت‌های مددکاری حقوقی	۱۴/۱۹	۲۵/۱۰	۱۸/۱۳	۲۷/۱۳	۱۵/۴۵
۸	دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌ای	۲۸/۱۲	۱۸/۱۹	۱۳/۶۶	۱۱/۲۷	۱۲/۹۲
۹	دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌شناسی	۲۱/۱۲	۲۰/۱۶	۲۰/۱۵	۲۶/۱۳	۱۲/۴۴
۱۰	دانش و مهارت‌های مددکاری پژوهشی	۲۲/۲۲	۲۱/۱۸	۱۸/۷۵	۲۶/۴۶	۱۱/۳۹

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ۷۰/۵۱ درصد دانش‌آموختگان مددکاری معتقدند دانش و مهارت‌های مددکاری فردی و ۶۷/۹۴ درصد دانش‌آموختگان دانش و مهارت‌های روان‌شناسی برای آنان مفید و کاملاً مفید ارزیابی نموده‌اند در این میان ۳۷/۸۵ درصد پاسخگویان دانش و مهارت‌های پژوهشی و ۳۸/۵۷ درصد

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی (رشته مددکاری)
دانش آموختگان دانش و مهارت‌های جامعه‌شناسی را مفید و کاملاً مفید قلمداد
نموده‌اند.

جدول شماره 4: نتایج مقایسه نگرش فارغ‌التحصیلان مرد و زن در مقوله‌های فایده دروس ارائه شده

مقوله‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنادار
دانش و مهارت‌های مددکاری فردی	مرد	۴۱	۴/۱۲	۳/۸۱	۰/۰۱
	زن	۹۷	۴/۷۸		
دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌ای	مرد	۴۱	۴/۶۶	۷/۹۲	۰/۰۰۳
	زن	۹۷	۴/۲۰		
دانش و مهارت‌های مدیریت	مرد	۴۱	۴/۷۱	۲/۷۵	۰/۰۰۴
	زن	۹۷	۴/۳۳		

مقایسه نگرش دانش آموختگان مددکاری درباره میزان فایده دروس ارائه شده به آنها در دانشگاه نشان می‌دهد که در «مقوله‌های دانش و مهارت‌های مددکاری فردی» و «دانش و مهارت‌های مددکاری جامعه‌ای» و «دانش و مهارت‌های مدیریتی» تفاوت معناداری بین دو گروه مردان و زنان وجود دارد.

به گونه‌ای که در مقوله «دانش و مهارت‌های مددکاری فردی» میانگین نمرات به دست آمده برای گروه زنان در مقایسه با میانگین گروه مردان به طور معناداری بالاتر است. ($t=۲/۹۲$ و $p=۰/۰۰۱$)

همچنین در مورد مقوله «دانش و مهارت‌های مددکاری اجتماعی» میانگین نمرات زنان به طور معناداری بالا می‌باشد. ($t=۲/۹۲$ و $p=۰/۰۰۳$)

و در مقوله دانش و مهارت‌های مدیریتی میانگین نمرات مردان در مقایسه با میانگین نمرات زنان به طور معنی‌داری بالا می‌باشد. ($t=۲/۷۵$ و $p=۰/۰۰۴$) در سایر مقولات بین نگرش فارغ‌التحصیلان زن و مرد تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل واریانس بین نوع مراکز اشتغال فارغ‌التحصیلان با فایده مقوله دانش و

مهارت‌های توان‌بخشی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار f	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۸/۲۲	۳	۴/۳۰		
درون گروه‌ها	۱۰۹/۱۶	۱۲۲	۰/۸۲	۴/۸۵	۰/۰۰۸
کل	۱۱۷/۳۸	۱۲۵			

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که «دانش و مهارت‌های توان‌بخشی» میانگین نمرات مددکاران انجمن‌های خیریه و مددکاران درمانی و حمایتی بالاتر می‌باشد و تفاوت مشاهده شده نیز معنادار می‌باشد. ($p < 0/008$, $df=3$ و $f=4/85$)

آزمون تعقیبی توکی در این مورد مشخص نموده که بین دو گروه مددکاران توان‌بخشی و مددکاران بهداشتی - درمانی و همچنین مددکاران توان‌بخشی و مددکاران حمایتی تفاوت معنادار نیست، اما نتایج آزمون تعقیبی توکی در مورد میانگین نمره گروه مددکاران توان‌بخشی با مددکاران حقوقی و انجمن‌های خیریه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸: نتایج تحلیل واریانس بین نوع مراکز اشتغال فارغ‌التحصیلان با فایده مقوله دانش و

مهارت‌های حقوقی

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار f	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۶/۲۳	۳	۳/۱۴	۴/۱۵	۰/۰۱۵
درون گروه‌ها	۹۲/۴۰	۱۲۲	۰/۷۲		
کل	۹۸/۶۳	۱۲۵			

در مورد تأثیر مراکز اشتغال دانش‌آموختگان بر نگرش آنها نسبت به فایده مهارت‌های آموخته شده و دروس ارائه شده ۵ گروه آموختگان در قالب مددکاران توان‌بخشی، مددکاران درمانی، مددکاران حمایتی، مددکاران حقوقی (زندانبانها)،

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تخصصی (رشته مددکاری)
مددکاران انجمنهای خیریه در مقوله‌های دهگانه فایده دروس با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مقوله ($p < 0/015$ ، $df=3$ و $F=4/15$).
نتایج آزمون دنباله ای توکی نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه مددکاران حقوقی با مددکاران حمایتی معنادار می‌باشد. اما بین گروههای مددکاران حقوقی و مددکاران توانبخشی و نیز مددکاران درمانی و مددکاران انجمن‌های خیریه تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مددکاران دانش آموخته بسته به نوع مراکز و سازمانهای اشتغال خود، میزان فایده دروس ارائه شده در دانشگاه‌ها را در مقایسه با دروس که فعلاً در محیط شغلی نیاز کمتری به آن دارند، بالاتر ارزیابی نموده‌اند. بعنوان مثال مددکاران حوزه توان بخشی میزان فایده مقوله «دانش و مهارتهای توان بخشی» و دانش آموختگان شاغل در زندانها و دادگاهها، میزان فایده دروس حقوقی را بالاتر ارزیابی نموده‌اند. این نکته مؤید آن است که دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی منسجم و یکپارچه با سازمانها و ارگانهای ارائه کننده خدمات مددکاری و کسب نیازهای آموزش روزمره مددکاران آنها، نسبت به اختصاصی نمودن و گرایش‌بندی رشته مددکاری بر حسب نیازها، دستگاه‌ها و سازمانها اقدام نمایند. بعنوان مثال می‌توان پیشنهاد نمود که دانشجویان مددکاری پس از دوره دو ساله اول، بسته به علاقه دانشجویان با نیاز سازمانها و هماهنگی دانشگاه‌ها، دروس عملی و تخصصی در حیطه‌های مختلف نظیر مددکاری صنعتی، مددکاری حقوقی، مددکاری توانبخشی، مددکاری خانوادگی و غیره ارائه گردید. دانشجویان می‌توانند رساله تحصیلی خود را با توجه به گرایش مورد علاقه خود انتخاب نمایند و دوره‌های کارورزی پیوسته و مرتبط با هم را در موضوع مورد علاقه خود ادامه دهد همچنین تحقیقات و پژوهشهای

دوران دانشجویی هم به سمت گرایش مورد علاقه دانشجوی سوق داده می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان دانش و مهارت‌های مددکاری فردی را بالاتر از همه دروس دیگر مفید ارزیابی نموده‌اند، در تبیین این یافته می‌توان گفت که مهارت‌های ارائه شده در مددکاری فردی اعم از آشنایی با نحوه انجام مصاحبه، جمع‌آوری اطلاعات در مددکاری، مهارت‌های مربوط به بازدید منزل مشاهده و گزارش‌نویسی و بررسی روند حل مسأله که همگی در حوزه مددکاری فردی به دانشجویان ارائه می‌شوند از جمله مواردی هستند که کلیه مددکاران بدون توجه به نوع مرکز و سازمانی اشتغالی به این مهارت‌ها نیاز دارند. این نکته همچنین در مورد دانش و مهارت‌های روانشناسی نیز مصداق دارد. روان‌شناسی علمی است که همه مددکاران نیاز به فراگیری و آموختن آن دارند و تقریباً هیچ مددکاری را نمی‌توان یافت که ادعا نماید بی‌نیاز از فراگیری دانش و مهارت‌های روان‌شناسی است. ضمن اینکه نتایج این فرضیه با یافته‌های آلفرد مادوشین (۱۹۹۲) که در خصوص نقش مهارت‌های روان‌شناسی در بهره‌وری و بازدهی کارورزی دانشجویان مددکاری تحقیق نموده است مطابقت داشته و همخوانی دارد.

یافته دیگر این تحقیق آن است که دانش‌آموختگان مددکاری، میزان فایده دروس مددکاری جامعه‌ای جامعه‌شناسی و پژوهشی را کمتر از سایر دروس ارزیابی نموده‌اند در تبیین این موضوع شاید بتوان اینگونه مطرح نمود که دروس فوق بیشتر جنبه انتزاعی و ذهنی دارند در حال آنکه مددکاری رشته‌ای کاربردی است به نظر می‌رسد اگر برنامه‌ای طراحی و اجرا شود که ماهیت مطالب فوق به گونه‌ای به دانشجویان مددکاری منتقل می‌شود که کاربرد آنها را لمس نموده و حتی قابلیت عملیاتی کردن داشته باشد، دانشجویان استقبال بهتری از این دروس بعمل خواهند آورد.

بررسی میزان فایده دروس اصلی و تفصیلی (شده مددکاری) ...

همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مهارت‌های مدیریتی و مشاوره‌ای مورد نیاز دانشجویان مددکاری می‌باشد و شایسته است نسبت به ارائه بهتر آنها در دانشگاه‌ها به دانشجویان اقدام می‌شود این در حالی است که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در «مقوله دانش و مهارت‌های مدیریتی» و «دانش و مهارت‌های مددکاری اجتماعی» میانگین نمرات مردان بالاتر از نمرات زنان می‌باشد ولی در مورد مقوله «دانش و مددکاری مهارت‌های فردی» میانگین نمرات زنان از نمرات مردان بالاتر می‌باشد در تبیین این نکته می‌توان چنین استنباط نمود که در سازمان‌های محل اشتغال پاسخ‌دهندگان، مددکاران مرد بیشتر از مددکاران زن شانس بدست‌گیری، پست‌های مدیریتی و انجام پروژه‌های جامعه‌ای را در اختیار دارند و مددکاران زن بیشتر به انجام امور مددکاری و مشاوره‌ای بسنده می‌کنند و لذا از مهارت‌های آموخته شده در زمینه مدیریتی و مددکاری جامعه‌ای کمتر بهره می‌گیرند.

بعلاوه نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان مهارت‌های مناسبی را در زمینه انجام امور پژوهشی فرا نگرفته‌اند. نگاهی به روش‌شناسی پایان‌نامه‌های دانش‌آموختگان مددکاری نیز گواه این مسأله است. اغلب دانشجویان مددکاری با مباحث آمار و روش‌شناسی بیگانه‌اند و علی‌رغم گذراندن این دروس، نمی‌توانند از مطالب آموخته شده استفاده نمایند و همین دلیلی است بر این نکته که دانشجویان مددکاری در مباحث آمار و روش تحقیق دچار ضعف می‌باشند.

پیشنهادات

- ۱- شایسته است با انجام تحقیقات مکمل نسبت به سنجش فایده دروس ارائه شده به دانشجویان مددکاری در زمانهای متوالی اقدام به شناسایی نقاط ضعف نسبت به ترمیم آنها و نیز تقویت نقاط مثبت بکشیم.
- ۲- شایسته است نسبت به نحوه ارائه دروس در دانشگاه‌ها با توجه به نیازهای سازمانها و دستگاه‌های ارائه کننده خدمات مددکاری توجه بیشتری بعمل آید.
- ۳- پیشنهاد می‌گردد محتوای دروس اصلی و تخصصی رشته مددکاری اجتماعی مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گیرد و سرفصل‌ها با توجه به تغییرات و دگرگونی‌های بعمل آمده در جامعه و بر حسب نیازهای جامعه و علایق وانگیزه‌های دانشجویان تهیه و تدوین گردد.
- ۴- به نظر می‌رسد توجه بیشتر به دروس علمی و کارورزی در رشته مددکاری می‌تواند دانشجویان را برای ارائه خدمات هر چه بهتر پس از فارغ‌التحصیلان در سازمانهای مختلف یاری نماید.
- ۵- در حال حاضر تدریس بسیاری از دروس مددکاری در دانشگاه‌ها را اساتیدی بر عهده دارند که خود نسبت به حرفه مددکاری آشنایی کافی ندارند و این خود ممکن است سبب کاهش کیفیت آموزش را فراهم آورد لذا پیشنهاد می‌گردد ترجیحاً دانشگاه‌های مجری رشته مددکاری اجتماعی از اساتید مددکاری و آشنا به این رشته استفاده نمایند.
- ۶- به نظر می‌رسد در حال حاضر هماهنگی‌های لازم بین دانشگاه‌های مجری رشته مددکاری اجتماعی وجود ندارد و این مسأله سبب ایجاد سردرگمی و ابهام برای متقاضیان ورود به این حرفه می‌نماید لذا شایسته است تا انجمنهای علمی مددکاری نسبت به رفع این مشکل و ایجاد وحدت رویه در زمینه آموزش مددکاری اهتمام ورزند.

کتابنامه

حسینی، س.ع.ا. (۱۳۷۶). بررسی اجمالی تجارب آموزشی فرهنگی گروهی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه شیراز در سه زمینه میزان رضایتمندی، تحقق آمارهای آموزشی و اندازه تغییرات، مجله امور اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره دوازدهم، شماره دوم، بهار، صص ۱-۴۰.

میرکمالی، م (۱۳۷۲). تحلیلی بر توانمندیهای شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۳-۳۸.

Heslop, j. (2000) five year graduate followup survey of (1993-1998) baccalaureate and pdp graduates . Canada – britishColumbia office of analytical studies: simon fraser university.

Kadushing, a. (1977). **Consultation in social work**. new york: Columbia university press.

Heap, k. (1985) **the practice of social work with groups**. London: george – allen and unwin.

Sales, e. and nararre, e. (1970) **individual and supervision in field inst ruction: a research report**. ann arbor – mi: school of social work – university of Michigan.

York, r.o moran - j. r. and denton. R. t (1989). **are socil workers sexually biased in their eraluations?** Administration in social work – 13 (1): 45-57